

## الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی: شیوه‌ای نوین در تنظیم عناصر کتابشناختی

محمدامین عرفان‌منش

دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه یو.ام. مالزی؛ Maerfanmanesh@yahoo.com

رضا بصیریان جهرمی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ Rezabj@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۱/۱۳

**چکیده:** الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، الگویی مفهومی جهت تنظیم عناصر کتابشناختی در فهرست‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی، در سال ۱۹۹۷ از سوی ایفلا و به دنبال طرحی جهت بازنگری در قواعد فهرست‌نویسی آنگلوآمریکن به وجود آمد. این الگو در صدد است که از سایر قواعد فهرست‌نویسی موجود مجزا بوده و جهت تامین نیازهای اطلاعاتی کاربران که مهم‌ترین هدف این الگو محسوب می‌شود، از ساختاری جدید جهت ذخیره‌سازی و نمایش پیشینه‌های کتابشناختی بهره برد. به نظر می‌رسد می‌توان از برخی ویژگی‌های منحصر به فرد این الگو، در رفع مشکلات و کمبودهای فهرست‌های کنونی و طراحی نظام‌های آینده بهره گرفت. در مقاله حاضر پس از بیان تاریخچه الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی ایفلا و معرفی مختصر این الگو و موجودیت‌های تشکیل‌دهنده آن، به مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در مورد آن اشاره شده و ویژگی‌های اصلی این الگو و تفاوت‌های آن با قواعد فهرست‌نویسی آنگلوآمریکن مورد بررسی قرار می‌گیرد. توصیف موازی مدرک اولیه و آثار وابسته به آن، ساختار سلسله‌مراتبی پیشینه‌های کتابشناختی و تهیه یک ابرپیشینه برای هر اثر و تعیین دقیق کارکردهای عناصر داده‌ای موجود در پیشینه‌های کتابشناختی، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این الگو نسبت به قواعد فهرست‌نویسی آنگلوآمریکن محسوب می‌شود. در انتها نیز برخی از نواقص مربوط به این الگو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، قواعد فهرست‌نویسی

آنگلوآمریکن.

## مقدمه

امروزه قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن<sup>۱</sup> به عنوان مهم‌ترین قواعد بین‌المللی فهرست‌نویسی در سطح جهان محسوب شده و به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در حال حاضر با توجه به پیشرفت‌های گوناگونی که در فهرست‌های رایانه‌ای و دسترس‌پذیری فهرست‌ها از طریق شبکه‌های محلی، ملی و جهانی و دستیابی به آثار در شکل الکترونیکی آن‌ها پدید آمده، نقش و کارکرد فهرست کتابخانه‌ها در حال تحول و دگرگونی است. در این میان به نظر می‌رسد که برخی از اصول و قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن برای همخوانی با محیط‌های جدید، نیاز به تجدید نظر و بازنگری دارند. به همین دلیل، انجمن‌های کتابداری و کتابخانه‌های ملی چهار کشور آمریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا - که به نحوی متولی این قواعد محسوب می‌شوند - سرمایه‌گذاری زیادی برای اصلاح، تکمیل و همخوان کردن آن با نیازهای آتی انجام داده‌اند. کمیته مشترک بازنگری در قواعد آنگلوامریکن<sup>۲</sup> نیز که از سوی چهار کشور فوق اداره می‌شود، مسئول بازنگری در قواعد، انجام مطالعات و برگزاری همایش‌های مربوطه است (فتاحی، ۱۳۸۰).

یکی از طرح‌های پیشنهادی از سوی کمیته بازنگری در قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن، الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی<sup>۳</sup> است که در سال ۱۹۹۷ میلادی مورد تصویب ایفلا<sup>۴</sup> قرار گرفت. بر اساس این الگو، تعیین تک تک عناصر اطلاعاتی در پیشینه کتابشناختی باید بر مبنای اهداف و کارکردهای فهرست کتابخانه، یعنی اهداف سازماندهی انجام گیرد (فتاحی، ۱۳۸۶). الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، از زمان ایجاد تاکنون، مورد توجه بسیار زیادی قرار گرفته و در مجموعه‌های مختلفی نیز به صورت آزمایشی اجرا شده است. اکثر نویسندگان برجسته در زمینه فهرست‌نویسی، معتقدند که این الگو، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که می‌تواند در هر چه کارآتر ساختن فهرست‌های موجود، مورد استفاده قرار گیرد.

1. Anglo-American Cataloging Rules (AACR)
2. Joint Steering Committee (JSC) for Revision of AACR
3. Functional Requirements for Bibliographic Records (FRBR)
4. International Federation of Library Associations

## تاریخچه

بحث ایجاد الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی از همایش پیشینه‌های کتابشناختی استکهلم<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۹۰ توسط کنترل جهانی کتابشناختی و مارک ایفلا<sup>۲</sup> و بخش کنترل کتابشناختی ایفلا<sup>۳</sup> برگزار شد، آغاز گردید. بیانیه‌ای که در پایان این همایش به تصویب رسید، گروهی را مامور مطالعه در مورد ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی کرد. هدف از انجام این مطالعه، تعیین کارکردهای پیشینه‌های کتابشناختی با توجه به رسانه‌های متنوع، درخواست‌های گوناگون و نیازهای کاربران مختلف بود. توجه عمده این مطالعه، معطوف به ایجاد قالب و چارچوبی بود که مسئولیت‌های مشترک و شرح وظایف را آن گونه که از یک پیشینه کتابشناختی انتظار می‌رود، مشخص سازد و آنچه را که از یک پیشینه کتابشناختی برای پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی توقع می‌رود، برآورده نماید. همچنین ماموریت پیشنهاد یک سطح پایه از نیازمندی‌های داده‌های کاربردی برای پیشینه‌هایی که توسط سازمان‌های ملی کتابشناختی تهیه می‌شد، برعهده این گروه گذاشته شد. نتایج این مطالعات توسط کمیته دائمی بخش فهرست‌نویسی ایفلا<sup>۴</sup> در سپتامبر ۱۹۹۲ در همایش ایفلا که در شهر دهلی نو برگزار شد، به تصویب رسید. اعضای گروه مطالعه، راهکارهایی را هم در زمینه فهرست‌نویسی و هم در زمینه رده‌بندی و نمایه‌سازی ارائه نمودند. گروه مطالعه پس از این همایش به کار خود ادامه داد و مشورت‌های طولانی مدت خود را برای ارائه یک بیانیه در پاییز سال ۱۹۹۵ به پایان رساند. مشاوران این گروه مسوولیت نگارش نسخه‌های ابتدایی این تحقیق را برعهده گرفتند. در ماه می ۱۹۹۶، این افراد گزارش خود را برای اعضای بخش فهرست‌نویسی ارسال نمودند و مفسران داوطلب برای مدت ۶ ماه در سراسر دنیا روی این بیانیه کار کردند. این گزارش همچنین از طریق ایفلا بر روی پایگاه اطلاع‌رسانی ایفلا<sup>۵</sup> قرار گرفت تا اشخاص و سازمان‌های علاقه‌مند نیز بتوانند آراء و نظرات خود را در مورد آن ابراز نمایند. نتیجه ۶ ماه نقد و بررسی مفسران، ارائه ۴۰ پیشنهاد از ۱۶ کشور دنیا بود.

1. Stockholm Seminar on Bibliographic Records
2. IFLA Universal Bibliographic Control and International MARK(UBCIM)
3. IFLA Division of Bibliographic Control
4. Standing Committee of the IFLA Section on Cataloging
5. www.ifla.org

در فوریه سال ۱۹۹۷ گروه مطالعه در مورد نقد و بررسی‌های ارائه شده به بحث پرداختند و نهایتاً چگونگی ویرایش گزارش نهایی به تصویب اعضا رسید. در پی این نشست، مشاورین نسخه نهایی را به گزارش اولیه ضمیمه کردند. دکتر مدیسون<sup>۱</sup> رئیس گروه مطالعه و تحقیق، گزارش نهایی را در جریان شصت و سومین همایش عمومی ایفلا که در سال ۱۹۹۷ در شهر کپنهاک دانمارک برگزار شد، به کمیته دائمی بخش فهرست‌نویسی ایفلا تقدیم کرد. این کمیته نیز، گزارش نهایی گروه مطالعه را در تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۹۷ مورد تصویب قرار داد و بدین ترتیب الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی به وجود آمد (تیلت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

بخش فهرست‌نویسی ایفلا در سال ۲۰۰۲ یک گروه کاری با هدف توسعه الگو و تبدیل آن به الگوی مرجع در دنیای کتابشناختی<sup>۳</sup> تشکیل داد که این گروه کاری از سال ۲۰۰۳ به گروه بررسی الگو تبدیل شد و مستقیماً زیر نظر کمیته دائمی فهرست‌نویسی ایفلا فعالیت می‌کند. همچنین کمیته مشترک بازرنگری قواعد فهرست‌نویسی آنگلوآمریکن ارتباط بسیار نزدیکی را با گروه کاری الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی<sup>۴</sup> برقرار کرده و بررسی زیادی را در مورد استفاده از مفاهیم آن، در آینده قواعد آنگلوآمریکن انجام می‌دهد (تیلت، ۲۰۰۳).

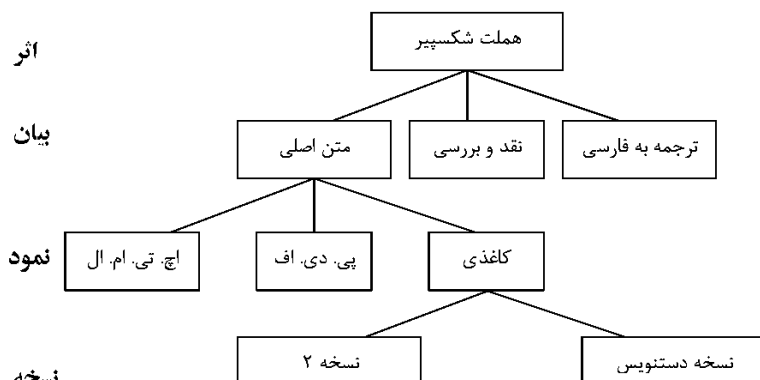
### معرفی الگو

پس از بیان تاریخچه الگو، اشاره مختصری به آن صورت می‌گیرد. الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی یک الگوی رابطه - موجودیت<sup>۵</sup> محسوب می‌شود. (نوعی الگوی داده‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ توسط چن<sup>۶</sup> طراحی شد). الگوی ملزومات کارکردی از سه جزء اصلی شامل موجودیت‌ها<sup>۷</sup>، روابط<sup>۸</sup> میان موجودیت‌ها و ویژگی‌های<sup>۹</sup> هر موجودیت تشکیل شده است. موجودیت‌هایی که در این الگو تعریف شده‌اند، نمایانگر علائق اصلی کاربران اطلاعات کتابشناختی هستند. این موجودیت‌ها به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. موجودیت‌های گروه اول: موجودیت‌هایی که نشان دهنده تلاش‌های ذهنی و هنری هستند و به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

1. Olivia Madison
2. Barbara Tillet
3. Bibliographic World
4. Working Group on Functional Requirements for Bibliographic Records
5. Entity-Relationship
6. Chen
7. Entities
8. Relationships
9. Attributes

- الف) اثر<sup>۱</sup>: آفرینش هنری یا ذهنی خاص. به عنوان مثال شاهنامه فردوسی در الگوی ملزومات کارکردی، یک اثر محسوب می‌شود.
- ب) بیان<sup>۲</sup>: تجسم ذهنی یا هنری یک اثر. به عنوان مثال اثر شاهنامه فردوسی می‌تواند در بیان‌های مختلفی مانند نسخه اصلی، ترجمه‌ها، شرح‌ها و خلاصه‌ها و غیره متجلی شود.
- ج) نمود<sup>۳</sup>: تجسم فیزیکی اثر. به عنوان مثال ترجمه شاهنامه فردوسی می‌تواند در قالب‌های فیزیکی گوناگون مانند کتاب، مقاله و غیره نمود یابد.
- د) نسخه<sup>۴</sup>: نمونه واحدی از نمود. به عنوان مثال ترجمه شاهنامه فردوسی که در قالب یک کتاب نمود یافته است، می‌تواند دارای چاپ‌ها، ویرایش‌ها و نسخ گوناگون باشد.
- برای روشن شدن مفهوم موجودیت‌های گروه اول که اساس الگوی ملزومات کارکردی محسوب می‌شود، تصویر زیر ارائه می‌گردد:

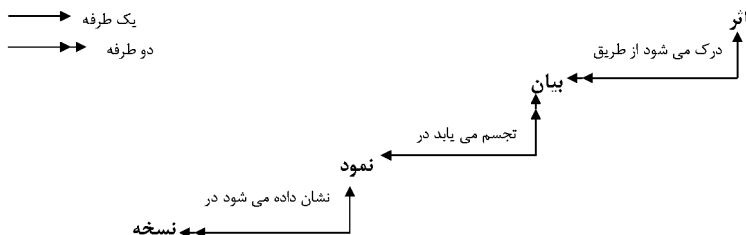


تصویر ۱: موجودیت‌های گروه اول الگو

همان‌طور که در تصویر زیر نشان داده شده است، یک رابطه سلسله‌مراتبی میان موجودیت‌های گروه اول الگو برقرار است. یک اثر ممکن است به واسطه یک یا چند بیان شناخته شود، از طرف دیگر بیان‌های گوناگون، نمایانگر تنها و تنها یک اثر هستند. بیان ممکن است در یک یا چند نمود مجسم شود و یک نمود ممکن است یک یا چند بیان را مجسم نماید.

1. Work      2. Expression      3. Manifestation      4. Item

یک نمود ممکن است توسط یک یا چند نسخه نشان داده شود، اما یک نسخه فقط و فقط یک نمود را نشان می‌دهد.



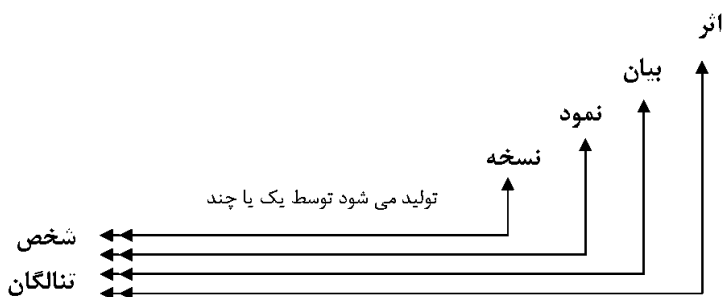
تصویر ۲: رابطه سلسله مراتبی موجودیت‌های گروه اول الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی

۲. موجودیت‌های گروه دوم: موجودیت‌هایی که مسئولیت پدید آوردن محتوای ذهنی و هنری موجودیت‌های گروه اول را برعهده دارند و به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شخص<sup>۱</sup>: پدید آورنده محتوای ذهنی و هنری.

ب) تالگان<sup>۲</sup>: تالگان مسئول محتوای ذهنی و هنری.

تصویر زیر بیانگر روابطی است که میان موجودیت‌های گروه دوم و گروه نخست وجود دارد. بر این اساس، هر یک از موجودیت‌های گروه اول می‌تواند توسط یک یا چند شخص یا تالگان تولید شود. برعکس، یک یا چند شخص یا تالگان می‌توانند تولید کننده یک یا بیش از یک موجودیت گروه اول باشند.



تصویر ۳: رابطه میان موجودیت‌های گروه اول و دوم الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی

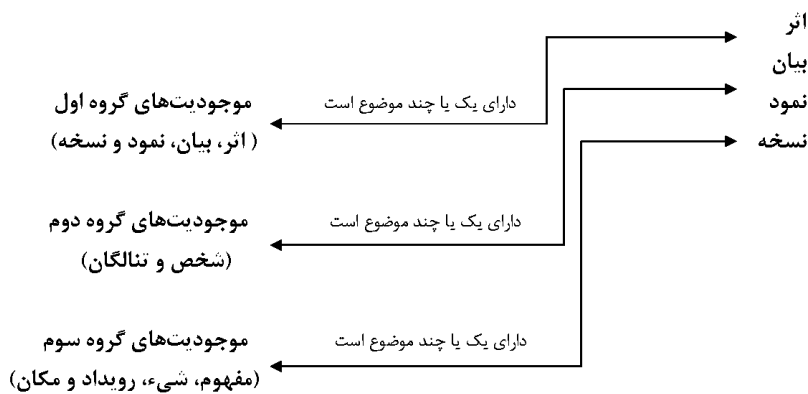
1. Person      2. Corporate Body

۳. موجودیت‌های گروه سوم: موجودیت‌هایی که موضوع موجودیت‌های گروه اول محسوب می‌شوند و به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مفهوم<sup>۱</sup>: یک تصور ذهنی یا عقیده ذهنی.  
 ب) شیء<sup>۲</sup>: یک عنصر مادی و فیزیکی (غیر معنوی).  
 ج) رویداد<sup>۳</sup>: یک فعالیت یا اتفاق.  
 د) مکان<sup>۴</sup>: یک محل، مکان یا موقعیت.

ه) هر یک از موجودیت‌های گروه اول و دوم: موضوع یک اثر می‌تواند اثر دیگر و یا یک شخص و یا یک تنالگان باشد. (به عنوان مثال، اثری که در باره اثر دیگر یا درباره یک شخص و یا تنالگان دیگر نوشته شده است).

بر اساس تصویر زیر، هر یک از موجودیت‌های گروه اول می‌توانند یک یا چند موضوع، اعم از مفهوم، شیء، رویداد و مکان و یا هر یک از موجودیت‌های گروه اول یا دوم باشند و برعکس (تیلت، ۱۹۹۸).



تصویر ۴: رابطه میان موجودیت‌های سه گروه مدل ملزومات کارکردی پیشنهادی کتابشناختی

هر کدام از موجودیت‌های تعریف شده در الگو، دارای تعدادی ویژگی هستند. ویژگی‌های الگو به عنوان ابزاری عمل می‌کنند که کاربران با کمک آن‌ها، سوالات خود را

1. Concept      2. Object      3. Event      4. Place

فرمول‌بندی و پاسخ‌ها را در زمان جستجوی اطلاعات در مورد یک موجودیت خاص، تفسیر می‌کنند، به عنوان مثال ویژگی‌های موجودیت اثر عبارتند از: عنوان اثر، فرم اثر، تاریخ اثر، دیگر خصوصیات متمایزکننده، مخاطب مورد نظر، محتوای اثر، وسیله اجرا (آثار موسیقایی)، مقیاس (آثار نقشه‌نگاری) و... (مدیسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

جزء سوم الگو پس از موجودیت و ویژگی، روابط است. در این الگو، رابطه به عنوان وسیله‌ای برای نشان دادن ارتباط بین یک موجودیت و موجودیت دیگر عمل می‌کند و از این رو، به منزله ابزاری کمکی برای کنترل دنیایی که از پیشینه‌های کتابشناختی در یک فهرست یا پایگاه اطلاعاتی کتابشناختی بوجود آمده، عمل می‌کند. به گفته فتاحی به ضابطه درآوردن روابط میان سطوح مختلف کتابشناختی<sup>۲</sup> اثر از اهمیت بالایی برخوردار است. منظور، سطوح کتابشناختی سلسله‌مراتبی است که از بالاترین سطح اثر (اثر به شکل انتزاعی) شروع و به پایین‌ترین سطح (مدرک فیزیکی) ختم می‌شود (فتاحی، ۱۳۷۵). در الگوی ملزومات کارکردی از روابط هشت‌گانه‌ای برای ترسیم هر چه بهتر روابط میان اثر اصلی و آثار وابسته استفاده می‌شود. این روابط عبارتند از: رابطه هم‌ارز<sup>۳</sup>، رابطه اشتقاقی<sup>۴</sup>، رابطه توصیفی<sup>۵</sup>، رابطه کل و جزء<sup>۶</sup>، رابطه همراهی<sup>۷</sup>، رابطه توالی<sup>۸</sup>، رابطه انتزاعی و مادی اثر<sup>۹</sup> و رابطه ویژگی‌های مشترک<sup>۱۰</sup>. با استفاده از ساختار سلسله‌مراتبی مورد استفاده در الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، برای هر اثر در دنیای کتابشناختی یک ابرپیشینه<sup>۱۱</sup> ایجاد می‌گیرد و بیان‌ها، نمودها و نسخه‌های گوناگون اثر به صورت چندسطحی در زیر اثر اصلی مرتب شده و روابط کتابشناختی میان آن‌ها توصیف می‌شود. مثال زیر جهت تجسم بهتر ساختار ابرپیشینه ارائه می‌شود:

## Shakespeare, William

شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴-۱۶۱۶

● تاجر ونیزی

● مکبث

1. Madison
2. Bibliographic Levels
3. Equivalent Relationship
4. Derivative Relationship
5. Descriptive Relationship
6. Whole-Part / Part-Hole Relationship
7. Accompanying Relationship
8. Sequential Relationship
9. Work Relationship
10. Shared Characteristics Relationship
11. Super Record



(اثر)

● هملت

نسخه اصلی

(بیان‌های مختلف اثر)

ترجمه به زبان فرانسوی

ویرایش سال ۲۰۰۸

فیلم سینمایی در سال ۱۹۹۶ به کارگردانی براناک

(نمودهای مختلف اثر)

فرمت وی.اچ.اس

فرمت دی.وی.دی

(نسخه‌های مختلف اثر)

نسخه ۱

نسخه ۲

● تاجر ونیزی

...

در ساختار غیر خطی فوق، کاربر می‌تواند در هر مرحله جستجوی خود را محدود نموده و به صورت سلسله‌مراتبی از اثر حرکت کرده و بیان، نمود و نسخه مورد نظر خود را انتخاب نماید. مزیت این شیوه، بازیابی سریع‌تر و سودمندتر آثار و شناخت بهتر نوع ارتباط آثار وابسته به یکدیگر است. در این ساختار کاربر در هر مرحله قادر است تا تمام مدارک موجود را مرور کرده و مدرکی که بیشترین مطابقت با نیاز اطلاعاتی خویش دارد را انتخاب نماید. به عنوان مثال هنگامی که کاربر از سطح بیان به سطح نمود حرکت می‌کند، قادر است تا فیلم‌های سینمایی موجود درباره هملت را مرور کرده و نمود مورد نیاز خود را انتخاب نماید. به همین دلیل، یکی از ملزومات این ساختار چندسطحی آن است که آثار وابسته به یک اثر را بر اساس نوع وابستگی، نوع بیان و شکل فیزیکی آن‌ها تقسیم‌بندی کرده و در یک سطح نمایش داده شود. از دیگر مزایای ساختار سلسله‌مراتبی و چندسطحی آن است که کاربر با انجام یک جستجوی ساده در هر یک از سطوح قادر است تا تمامی مدارک موجود در آن سطح را بازیابی نماید.

در این الگو معمولاً کاربر درخواست جستجوی خود را با استفاده از یک یا چند ویژگی موجودیت مورد جستجو، فرمول‌بندی کرده و با استفاده از این خصوصیات است که کاربر،

موجودیت مورد نظر خود را جستجو می‌کند. روابط نشان داده شده میان پیشینه‌های کتابشناختی، اطلاعات بیشتری را ارائه می‌کنند که به کاربر در ایجاد رابطه بین موجودیت یافت شده و سایر موجودیت‌های مشابه، کمک می‌کند (لبوف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

در الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، از طریق جداسازی موجودیت‌هایی که در صدر جستجوهای استفاده‌کنندگان از پیشینه‌های کتابشناختی قرار دارد، عمل می‌گردد. در مرحله بعد، ویژگی‌های مرتبط با هر موجودیت و همچنین ارتباطات میان موجودیت‌هایی که برای کاربران بیشترین اهمیت را در مرحله جستجوی کتابشناختی دارد، مشخص و ناوبری اطلاعات در کل موجودیت‌های پیشینه‌های کتابشناختی، فراهم می‌گردد. الگو دارای رویکردی کاربرمدارانه به منظور تجزیه و تحلیل نیازهای اطلاعاتی کاربران و تلاش در جهت تعیین و تبیین راهکاری راهبردی است تا از این رهگذر، مشخص گردد که یک مراجعه‌کننده (کاربر)، انتظار یافتن چه نوع اطلاعاتی را بر روی پیشینه کتابشناختی داشته و چگونه آن اطلاعات را مورد استفاده قرار می‌دهد (تیلت، ۱۹۹۸).

اهدافی که در الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی برای فهرست بیان

شده‌اند عبارتند از:

۱. یافتن مدارک<sup>۲</sup>
۲. شناسایی مدارک<sup>۳</sup>
۳. انتخاب مدارک<sup>۴</sup>
۴. دسترسی به مدارک<sup>۵</sup>
۵. راهبری میان مدارک<sup>۶</sup>
۶. برقراری ارتباط میان مدارک<sup>۷</sup> (تیلت، ۲۰۰۳)

بر اساس اهداف فوق می‌توان حداقل کارکردهای پیشینه کتابشناختی را بر اساس الگوی

ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی به این صورت بیان نمود:

۱. بازیابی کلیه موجودیت‌های کتابشناختی شامل:

- 
- |              |                |                |              |
|--------------|----------------|----------------|--------------|
| 1. Le Boeuf  | 2. To Find     | 3. To Identify | 4. To Select |
| 5. To Obtain | 6. To Navigate | 7. To Relate   |              |

- الف) آثاری که یک فرد یا یک تنالگان مسئول انتشار آن است  
ب) برداشت‌های مختلف از یک اثر  
ج) آثار دارای یک موضوع واحد  
د) آثار دارای یک فروست واحد
۲. بازیابی یک موجودیت کتابشناختی خاص:  
الف) هنگامی که نام فرد یا تنالگان مسوول تدوین آن مشخص باشد  
ب) زمانی که عنوان آن مشخص باشد  
ج) زمانی که شناسه‌های خاصی از آن در دسترس باشد
۳. شناسایی یک اثر  
۴. شناسایی برداشتی خاص از یک اثر  
۵. شناسایی یک موجودیت کتابشناختی خاص  
۶. انتخاب یک اثر  
۷. انتخاب اقتباسی خاص از یک اثر  
۸. انتخاب یک موجودیت کتابشناختی  
۹. دسترسی به آن موجودیت کتابشناختی  
۱۰. برقراری ارتباط میان بیان‌ها، نمودها و نسخه‌های مختلف یک اثر واحد (فتاحی و ارسطوپور، ۱۳۸۶)

### پژوهش‌های مهم در زمینه الگوی ملزومات کارکردی پیشنهادی کتابشناختی

در این بخش به معرفی مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده درباره الگوی ملزومات کارکردی پیشنهادی کتابشناختی می‌پردازیم.

تیلت<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) در پایان‌نامه دکترای خود در دانشگاه کالیفرنیا به بررسی تاریخی و تحلیلی روابط کتابشناختی در قواعد فهرست‌نویسی پرداخته است. بر این اساس وی با بررسی ۲۱۰۰۰ پیشنهاد کتابشناختی از بیش از ۲۵۰۰۰۰۰۰ پیشنهاد موجود در فهرست کتابخانه کنگره، انواع و

1. Barbara Tillet

درصد هر یک از روابط کتابشناختی را مشخص نموده است (فتاحی، ۱۳۷۵). اهمیت پژوهش وی در این است که تیلت به عنوان یکی از طراحان الگوی ملزومات کارکردی، از روابط هشت گانه مورد بررسی در پایان نامه خود در الگوی ملزومات کارکردی نیز بهره گرفته است و ابزاری جهت ترسیم این روابط پیشنهاد نموده است.

فتاحی (۱۹۹۶) در پایان نامه دکترای خود تحت عنوان «بررسی همخوانی اصول فهرست نویسی با فهرست های رایانه ای»<sup>۱</sup> و همچنین در پژوهشی که در مورد فهرست آزمایشی ابریشینه پیشنهادی خود انجام داد، با اشاره به مشکلات قواعد فهرست نویسی آنگلو امریکن در زمینه ذخیره سازی و نمایش پیشینه های کتابشناسی، ساختار سلسله مراتبی جدیدی تحت عنوان ابریشینه را معرفی می نماید که در آن ارتباط میان اثر اولیه با تمام بیانها، نمودها و سایر آثاری که به نوعی با آن ارتباط دارند، نشان داده شده است (فتاحی، ۱۳۷۶). اهمیت پژوهش وی در این است که در الگوی ملزومات کارکردی پیشینه های کتابشناختی نیز از ساختاری غیر مسطح و سلسله مراتبی شبیه به الگوی پیشنهادی او جهت تنظیم پیشینه های کتابشناختی استفاده می شود. بدین صورت که تمام مدارک مرتبط با اثر اصلی در قالب بیانها، نمودها و نسخه های گوناگون به صورت سلسله مراتبی در زیر مدرک اصلی قرار گرفته و روابط کتابشناختی میان آنها برقرار می شود.

بنت، لاووی و اونیل (۲۰۰۳)<sup>۲</sup> در پژوهشی به تخمین تعداد آثار- بر اساس تعریفی که الگوی ملزومات کارکردی ایفلا ارائه می دهد- موجود در دنیای فهرست نویسی و بررسی امکان اجرای این الگو با توجه به تعداد آثار پرداختند. برای این منظور، از فهرست جهانی<sup>۳</sup> (بزرگ ترین فهرستگان موجود در دنیا که در زمان انجام این تحقیق در سال ۲۰۰۲، دارای حدود ۴۷ میلیون پیشینه کتابشناختی بود)، تعداد ۹۰۰۰ پیشینه به صورت تصادفی انتخاب و بررسی شدند.

پس از تعمیم نتایج بررسی مشخص شد که ۴۷ میلیون پیشینه موجود در فهرست جهانی، که از دیدگاه الگوی ملزومات کارکردی پیشینه های کتابشناختی در سطح نمود قرار دارند، دارای حدود ۳۲ میلیون اثر متمایز هستند، یعنی به طور متوسط هر اثر در فهرست جهانی، دارای ۱/۵ نمود

1. Relevance of Cataloging Principles to the Online Environment  
2. Beneth, Lavoie & O'Neill 3. Woelcatt

است. از میان ۳۲ میلیون اثر موجود، تعداد ۲۵ میلیون اثر یعنی هفتاد و هشت درصد (۷۸٪)، تنها دارای یک نمود هستند. نود و نه درصد (۹۹٪) از تمام آثار موجود در فهرست جهانی، دارای ۷ نمود یا کمتر هستند و تنها کمتر از یک درصد (۱٪) یا ۳۰۰۰۰ اثر، دارای بیش از ۲۰ نمود هستند. از آنجا که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، گردآوری نسخ، نمودها و بیان‌های مربوط به یک اثر خاص در کنار هم است، محققان نتیجه می‌گیرند که اجرای الگو تنها می‌تواند هدف فوق را برای تعداد محدودی از آثار موجود در فهرست جهانی برآورده کند. آن‌ها آثار موجود در فهرست جهانی را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱. اثر اصلی<sup>۱</sup>: اثری که تنها دارای یک بیان و یک نمود باشد، مانند یک گزارش دولتی که فقط به صورت جزوه منتشر می‌شود.

۲. اثر ساده<sup>۲</sup>: اثری که دارای یک بیان و بیش از یک نمود باشد، مانند یک پایان‌نامه تحصیلی که دارای دو فرمت چاپی و الکترونیکی است.

۳. اثر مرکب<sup>۳</sup>: اثری که دارای بیش از یک بیان باشد، مانند کتابی که دارای ویرایش‌ها و ترجمه‌های گوناگون است.

بر اساس نتایج فوق، استفاده از الگوی رابطه - موجودیت ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی برای آثار مرکب، باعث سازماندهی و بازیابی بهتر مدارک شده و توصیه می‌گردد (بنت، لاووی و اونیل، ۲۰۰۳).

چن و چن (۲۰۰۴)<sup>۴</sup> در یک بررسی موردی، الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی را در موزه کاخ ملی<sup>۵</sup> تاییه برای مجموعه‌ای از ده هزار نقاشی و دست نوشته چینی، اجرا کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این الگو به عنوان ابزاری مفهومی برای بیان عناصر ابر داده‌ای و روابط میان آن‌ها، بسیار مفید است. همچنین استفاده از آن می‌تواند رضایت مراجعه‌کنندگان را در حد بیشتری تأمین نماید.

1. Elemental Work

2. Simple Work

3. Complex Work

4. Chen & Chen

5. National Palace Museum (NPM)

6. Albertsen & Nuys

آلبرتسن و نویس (۲۰۰۵)<sup>۱</sup> بیان می‌کنند که کتابخانه ملی کشور نروژ، پس از بررسی مقدماتی و آزمایشی الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، طرحی تحت عنوان پارادایم<sup>۲</sup> را در دست انجام دارد که طی آن مجموعه اسناد دیجیتالی خود را بر اساس این الگو، سازماندهی کند. رادباگ و کیت (۲۰۰۵)<sup>۳</sup> در پژوهش خود تحت عنوان «ابزار نمایش ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی»، به معرفی ابزار نمایش<sup>۴</sup> این الگو پرداخته و بیان می‌کند که دفتر استانداردهای مارک و توسعه شبکه<sup>۵</sup> وابسته به کتابخانه کنگره، بعد از بررسی همه جانبه الگوی ملزومات کارکردی ایفلا و مشاوره با اعضای گروه کاری آن، تصمیم گرفته است که برای روزآمدسازی فرمت مارک ۲۱ از ابزار نمایش سلسله‌مراتبی به کار رفته در این الگو استفاده کند. میلر و لبوف (۲۰۰۵)<sup>۶</sup> در پژوهشی که در مورد فهرست‌نویسی مدارک مربوط به هنرهای اجرایی و نمایشی انجام دادند، پس از بیان مشکلاتی که قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن در توصیف این مواد با آن‌ها مواجه است، استفاده از الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی را پیشنهاد می‌کنند.

نیکولاس (۲۰۰۵)<sup>۷</sup> در پژوهشی با عنوان «نیازهای فرهنگ عامه برای پیشینه‌های کتابشناختی: سنت‌های شفاهی و الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی» بیان می‌کند که افراد بومی در کتابخانه‌ها راحت‌ترند، خدمات بیشتر و بهتری به آنها ارائه می‌گردد و بیشترین تلاش‌ها صرف برآورده شدن نیازهای این افراد می‌گردد. از طرف دیگر، بسیاری از منابع بومی و مبتنی بر فرهنگ عامه در کتابخانه‌ها وجود دارند که قواعد فهرست‌نویسی موجود، قادر به نشان دادن صحیح محتوا و قالب آنها نیست. وی پس از تحقیقی که در کتابخانه ملی نیوزلند بر روی منابع بومی به زبان مادری انجام داد، بیان نمود که الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی می‌تواند در توصیف این مواد، مفیدتر و بهتر از قواعد آنگلوامریکن عمل نماید.

همچنین می‌توان از پایگاه فهرست جهانی که در سال ۲۰۰۷ دارای بیش از ۱۱۰ میلیون پیشینه کتابشناختی بود و از سوی او.سی.ال.سی<sup>۸</sup> اداره می‌شود، به عنوان مهم‌ترین پایگاه جهانی نام برد که از اصول الگوی ملزومات کتابشناختی بهره می‌برد.

2. Paradigma 2. Radebaugh & Keith 3. Display Tools

5. Network Development and MARK Standars Office (NDMSO)

6. Miller & Le Boeuf 6. Nicolas 7. Online Computer Library Center (OCLC)

با بررسی و نتیجه‌گیری از پژوهش‌های انجام شده در خصوص الگوی ملزومات کارکردی ایفلا می‌توان بیان نمود که در ابتدا پژوهش‌های انجام گرفته درباره این الگو بیشتر به بررسی نظری آن می‌پرداخت، اما در چند سال اخیر شاهد هستیم که این الگو مرحله اول خود که شامل بررسی‌های تئوری بوده را پشت سر گذاشته و وارد مرحله عملی شده است. در مواردی که الگوی ملزومات کارکردی ایفلا به صورت موردی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی مورد استفاده قرار گرفته است، شاهد نتایج جالب و امیدوار کننده‌ای از کاربرد این قواعد می‌باشیم. به نظر می‌رسد که می‌توان از برخی از ویژگی‌های خاص این الگو جهت برطرف کردن مشکلات فهرست‌ها و بازننگری در قواعد کنونی فهرست‌نویسی استفاده نمود. در بخش بعد به مهم‌ترین خصوصیات الگوی ملزومات کارکردی که در پژوهش‌های پیشین مورد اشاره قرار گرفته است، پرداخته خواهد شد.

### مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی ملزومات کارکردی ایفلا

الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی دارای ویژگی‌هایی است که به نظر می‌رسد قادر خواهد بود تا برخی از مشکلات قواعد فهرست‌نویسی آنگلوآمریکن را مرتفع نموده و در جهت تأمین اهداف فهرست کتابخانه و برطرف نمودن نیازهای کاربران فهرست کتابخانه‌ای گام‌های مؤثرتری بردارد. در زیر به مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی ملزومات کارکردی اشاره مختصری شده و به تفاوت‌های این الگو با قواعد فهرست‌نویسی آنگلوآمریکن اشاره می‌گردد.

۱. الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی از ساختاری سلسله‌مراتبی و چندسطحی جهت فهرست‌نویسی، توصیف و نمایش یک اثر و آثار وابسته به آن بهره می‌برد. از مهم‌ترین مزایای فهرست‌نویسی سلسله‌مراتبی که در این الگو پیشنهاد می‌شود، گردآوری و در نتیجه بازیابی و نمایش آثار وابسته به یک اثر اصلی در زیر آن اثر است. بدین ترتیب که آثار وابسته به یک اثر در قالب بیان‌ها، نمونها و نسخه‌های گوناگون دسته‌بندی، گردآوری و بازیابی شده و در نتیجه، نتایج جستجو به صورتی کاملاً دسته‌بندی شده، معنادار و سازمان‌یافته در اختیار کاربر قرار داده می‌شود (عرفان منش، ۱۳۸۶). در این حالت کاربر قادر خواهد بود تا بر اساس بیان و نمود مورد نظر خود، جستجو را ادامه داده و پس از طی ۳ تا ۵ مرحله جستجو، دقیقاً

مدرک مورد نیاز خود را بازیابی نماید. مزیت این شیوه، بازیابی سریع تر و سودمندتر آثار و شناخت بهتر نوع ارتباط آثار وابسته به یکدیگر و ترسیم دقیق تر روابط کتابشناختی میان آنهاست. این روش در خصوص آثاری که دارای صدها بیان، نمود و نسخه مختلف هستند، به بهترین وجه باعث توصیف معنادار این مدارک و ترسیم روابط کتابشناختی میان آنها می شود. این در حالی است که فهرست های کنونی در پاسخ به جستجو و نمایش آثار وابسته به هم، صدها پیشینه را بازیابی کرده که برخی از آنها نامرتب یا کم ربط هستند و در مجموع با نظم و ترتیب معناداری نمایش داده نمی شوند. در قواعد فهرست نویسی آنگلو امریکن از ساختاری مسطح، خطی و غیر سلسله مراتبی جهت توصیف آثار بهره گرفته شده است. در چنین ساختاری یک مدرک در هر سطح انتزاعی و فیزیکی (اثر، بیان، نمود و نسخه) که قرار داشته باشد، هم ردیف با سایر سطوح انتزاعی و فیزیکی آن مدرک قرار گرفته و همگی در یک سطح نمایش داده می شوند. از جمله معایب ساختار غیر مسطح مورد استفاده در قواعد انگلو امریکن می توان به عدم بازیابی و نمایش معنادار آثار وابسته در کنار هم و عدم ترسیم مؤثر و قابل درک روابط کتابشناختی میان آثار وابسته به یک اثر اصلی اشاره نمود.

۲. الگوی ملزومات کارکردی پیشینه های کتابشناختی از راهبردی موازی جهت توصیف مدرک موجود در دست فهرست نویس و مدرک مادر بهره می گیرد. در این الگو به دلیل وجود ساختار چند سطحی و سلسله مراتبی، ارتباط نزدیک و تنگاتنگی میان اثر موجود در دست فهرست نویس و اثر اولیه برقرار شده و اثر موجود، به عنوان یکی از بیانها، نمونها یا نسخه های اثر مادر، در زیر آن قرار می گیرد. در این حالت کاربر اگر جستجوی خود را از طریق مدرک موجود انجام دهد، این مدرک در کنار سایر مدارک مشابه و در سطحی که قرار دارد- بیان، نمود یا نسخه- همگی در زیر اثر مادر و در قالب یک ابرپیشینه بازیابی می شوند و کاربر قادر خواهد بود تا علاوه بر پیشینه کتابشناختی مدرک مورد نظر، به پیشینه های کتابشناختی مدارک وابسته، همچنین اثر اصلی نیز دسترسی داشته و قادر به مشاهده روابط ترسیم شده میان مدارک مختلف باشد. در این حالت اگر کاربر جستجوی خود را از طریق اثر اولیه انجام دهد، تمام آثار وابسته به آن در قالب بیانها، نمونها و نسخه های مختلف در زیر آن به نمایش درآمده و کاربر



قادر خواهد بود که اطلاعات کتابشناختی همچنین روابط کتابشناختی میان مدارک مشابه را به نحو بهتری مشاهده و درک نماید (عرفان منش، ۱۳۸۶).

در همین راستا فتاحی بیان می‌کند که با توصیف موازی اثر اولیه و اثر مادر و تهیه یک ابرپیشینه برای هر اثر، فهرست‌ها قادر می‌شوند که روابط میان آثار وابسته را بهتر نشان داده و جستجوی آثار را مؤثرتر و بدون ریزش کاذب انجام دهند. فرض وی بر این است که در آینده‌ای نزدیک همه فهرست‌های کتابخانه‌ای از فن‌آوری فرامتنی استفاده خواهند کرد و این توانایی را خواهند داشت که روابط میان آثار وابسته را بهتر پیاده کرده و نمایش دهند و در نتیجه دسترسی به آثار را به صورت مؤثرتری تأمین کنند (فتاحی، ۱۳۷۶). این در حالی است که در قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن ماده در دست فهرست‌نویس به عنوان مبنای توصیف آثار به کار برده می‌شود. ضمن این که این قواعد توصیه می‌کنند که برای برقراری ارتباط میان اثر در دست فهرست‌نویس و اثر اولیه، انتخاب شناسه‌ها با توجه به اثر اولیه انجام پذیرد. ایراداتی به این شیوهی قواعد آنگلوامریکن در زمینه مبنای توصیف آثار وارد است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) کارآمدی برخی از ابزارهایی که جهت برقراری ارتباط میان اثر اصلی و اثر در دست فهرست‌نویس در نظر گرفته شده است، در فهرست‌های کنونی تا حدی زیر سوال رفته است. از جمله مهم‌ترین این ابزار، اصل عناوین قرار دادی است که خصوصاً در مورد آثار بسیار مهم و مطرحی که دارای هزاران اثر وابسته می‌باشند، تا حدودی کارآیی خود را از دست داده و قادر به گردآوری، بازیابی و نمایش معنادار و منظم این گونه آثار نیست. قابل ذکر است که بر اساس متن قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن استفاده از عناوین قراردادی، اختیاری ذکر شده است. فتاحی نیز از عدم سازگاری اصل عناوین قراردادی با فهرست‌های رایانه‌ای کنونی به عنوان یکی از مشکلات توصیف مدارک در قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن نام می‌برد (فتاحی، ۱۳۷۶).

ب) عدم دسته‌بندی آثار وابسته بر اساس نوع وابستگی آن‌ها به اثر اصلی در قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن که باعث بازیافت نامطلوب این آثار و مبهم ماندن رابطه میان آثار نمایش داده شده می‌شود.

ج) فهرست‌نویسی بر مبنای نسخه در دست در مورد نشریات ادواری که شماره‌های گذشته آن‌ها در اختیار نیست و در مورد منابع الکترونیکی که در فواصل زمانی کوتاهی مورد بازنگری و روزآمد شدن قرار می‌گیرند، مفید نیست.

۳. در ساختار غیرخطی که از سوی الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد، کاربر قادر خواهد بود تا در هر مرحله جستجوی خود را محدود نموده و به صورت سلسله‌مراتبی به سمت پایین یا بالا حرکت نموده و نمود و نسخه مورد نظر خود را انتخاب نماید. به عبارت دیگر کاربر قادر است که جستجوی خود را از هر یک از سطوح چهارگانه آغاز کرده و سپس در ادامه، دامنه جستجوی خود را گسترده کرده و به سطح بالاتر حرکت کند و یا دامنه جستجوی خود را محدود کرده و به سطح پایین‌تر برود. این کار از طریق شناسه‌های رابط و به اصطلاح پل‌هایی صورت می‌گیرد که از نظر فنی چه با استفاده از فیلدهای ارتباطی مارک و چه پل‌های فرامتنی قابل انجام است. مزیت این شیوه، بازیابی سریع‌تر و سودمندتر آثار و شناخت بهتر نوع ارتباط آثار وابسته به یکدیگر است. همچنین کاربران از قدرت راهبری<sup>۱</sup> بیشتری در هنگام جستجو در فهرست کتابخانه‌ای برخوردار خواهند بود (عرفان منش، ۱۳۸۶). چنین قابلیتی در قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن به دلیل استفاده از ساختار خطی و غیرمسطح میسر نیست.

۴. در الگوی ملزومات کارکردی ایفلا، کارکردهای هر یک از عناصر داده‌ای موجود در پیشینه کتابشناختی، به طور دقیق تدوین شده است که این عامل باعث غنی شدن پیشینه‌ها از نظر تعداد عناصر اطلاعاتی موجود در آن شده و نهایتاً تحقق کارکردهای گوناگون فهرست را سهولت می‌بخشد. این در حالی است که در قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن به کارکردهای عناصر داده‌ای تشکیل‌دهنده پیشینه‌های کتابشناختی اشاره‌ای نشده است، هرچند که به طور طبیعی هر کدام از عناصر داده‌ای موجود در پیشینه کتابشناختی می‌توانند یک یا چند کارکرد را تأمین نمایند.

۵. در الگوی ملزومات کارکردی ایفلا برخلاف قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن که فهرست‌نویسی را تنها در سطوح مادی مدرک یعنی نمود و نسخه انجام می‌دهد و در آن امکان فهرست‌نویسی مدرک در سطوح غیرمادی و انتزاعی آن یعنی اثر و بیان وجود ندارد،

فهرست‌نویسی مدارک در سطوح غیرمادی و انتزاعی مدرک یعنی اثر و بیان انجام می‌گیرد و سپس تا سطوح مادی مدرک ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر فهرست‌نویسی مدارک از طریق قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن، موجودی مجموعه را در سطح مادی اثر یعنی نمود و نسخه نمایش می‌دهد، اما الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی از این قابلیت برخوردار است که موجودی مجموعه را علاوه بر سطوح مادی، در سطوح غیرمادی یعنی اثر و بیان نیز نمایش دهد. در نتیجه جستجو در الگوی ملزومات کارکردی ایفلا، نتایج را در سطحی بالاتر و کامل‌تر در اختیار کاربران قرار داده و کاربر از طریق انجام یک جستجوی ساده در سطح اثر، قادر است تا تمامی مدارک وابسته به آن اثر را در قالب بیان‌ها، نمودها و نسخه‌ها به صورت منظم و دسته‌بندی شده مشاهده نماید (عرفان منش، ۱۳۸۶).

۶. الگوی ملزومات کارکردی ایفلا الگویی کاربر مدار است که در آن بیش از هر چیز به تأمین نیازهای اطلاعاتی کاربران توجه شده است. در این الگو علاوه بر توجه به کارکردهای سنتی فهرست‌ها مانند کارکرد بازیابی و گردآوری، کارکردهای نوینی برای فهرست تعریف شده و عناصر و داده‌های خاصی جهت تأمین این کارکردها در پیشینه‌های کتابشناختی تعبیه شده است. در صورتی که قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن همچون اصول پاریس<sup>۱</sup> و قواعد کاتر<sup>۲</sup> و پانیتسی<sup>۳</sup>، از بازیابی و گردآوری به عنوان اهداف فهرست کتابخانه نام می‌برد.

۷. با استفاده از این الگو می‌توان عناصر داده‌ای مهم موجود در پیشینه‌های کتابشناختی برای کاربران را مشخص کرده و از آن به نحو مؤثرتری جهت تأمین کارکردهای فهرست بهره گرفت. به نظر فتاحی (۱۳۸۶) استفاده از مدل تکامل یافته ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی، رویکردی مناسب و امیدوارانه در ایجاد ارتباط و انسجام در دنیای کتابشناختی است. این امر با توجه به افزایش منابع تولید شده و نیز امکان کاربرد فناوری پیوندهای فرامتنی در پایگاه‌های اطلاعاتی، قابل توجیه می‌باشد. در این میان، آنچه اهمیت دارد، کسب اطمینان از قابلیت‌های این الگو بر اساس آزمون آن در پایگاه‌های واقعی و پر کاربرد است. با پیاده‌سازی این الگو می‌توان بخش قابل توجهی از چالش‌های سازماندهی را برطرف ساخت، زیرا این الگو چارچوب طراحی پیشینه کتابشناختی را با توجه به کارکرد هر عنصر اطلاعاتی مشخص می‌کند.

1. Paris Principles      2. Charles Ami Cutter      3. Sir Anthony Panizzi

در کنار مزایایی که در مورد الگوی ملزومات کارکردی بیان شد، ایراداتی نیز به این الگو وارد شده است. بنت، لاووی و اونیل (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که این الگو می‌تواند در سازماندهی پیشینه‌های کتابشناختی مربوط به آثار بزرگ - که دارای بیان‌ها، نمودها و نسخه‌های فراوانی هستند - مؤثر باشند، اما استفاده از آن‌ها در مجموعه‌های کوچک یا برای آثار کوچک، چنین نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت.

فتاحی و ارسطوپور بیان می‌نمایند که با وجود اینکه هدف اصلی الگوی ملزومات کارکردی، ارائه چارچوبی روشن و دقیق از علت وجودی هر عنصر اطلاعاتی در پیشینه کتابشناختی است، اما برخی بر این عقیده‌اند که دسته‌بندی کارکردی این مدل چندان کامل به نظر نمی‌رسد. در مواردی به برخی از عناصر اطلاعاتی اهمیت کافی داده نشده و نمی‌توان انتظار داشت برخی از کارکردها به طور کامل محقق شود. همچنین از دیگر انتقادهایی که نسبت به این الگو صورت گرفته است، پاسخگو نبودن آن نسبت به موجودیت‌های کتابشناختی با ویژگی‌های پایبندی است (فتاحی و ارسطوپور، ۱۳۸۶).

ضمن اینکه برخی از منتقدان اعتقاد دارند که الگوی ملزومات کارکردی در تأمین یکی از اهداف اصلی خود که تأمین هر چه بیشتر نیازهای کاربران فهرست کتابخانه‌ای بوده است، چندان موفق عمل نکرده است، از نیازهای نرم افزاری، هزینه‌های فهرست‌نویسی و عدم آشنایی کتابداران، فهرست‌نویسان و کاربران فهرست با این الگو نیز به عنوان مشکلات موجود در اجرای آن نام برده می‌شود.

همچنین قابل ذکر است که استفاده از الگوی ملزومات کارکردی تاکنون تنها محدود به مجموعه‌ها و پایگاه‌های مشخصی بوده است و به نظر می‌رسد جهت استفاده فراگیر، نیازمند اجماع بین‌المللی و همکاری کتابخانه‌های ملی و انجمن‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی کشورهای مختلف دنیا باشد.

### نتیجه‌گیری

الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی از قابلیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردی در تنظیم پیشینه‌های کتابشناختی در فهرست‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی‌های این الگو نسبت به قواعد فهرست‌نویسی آنگلوامریکن عبارتند از: رویکرد

کاربرمدارانه این الگو، قدرت راهبری بالای کاربر هنگام جستجو در فهرست، استفاده از ساختار غیر مسطح و سلسله‌مراتبی در توصیف و نمایش پیشینه‌های کتابشناختی، گردآوری و نمایش منظم و معنادار آثار وابسته به یک اثر اصلی و تعیین دقیق کارکردهای هر یک از عناصر داده‌ای موجود در پیشینه‌های کتابشناختی. به نظر می‌رسد که در صورت ایجاد اجماعی جهانی در استفاده از این الگو و برطرف نمودن ایرادات مشاهده شده در آن، می‌توان از بسیاری از ویژگی‌های این الگو در رفع مشکلات فهرست‌های کنونی، تأمین هرچه بهتر اهداف و کارکردهای مورد نظر از فهرست کتابخانه و تأمین نیازهای کاربران فهرست بهره گرفت.

## منابع و مأخذ

- عرفان منش، محمدامین (۱۳۸۶). بررسی قواعد فهرست نویسی توصیفی آنگلوآمریکن و الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۷۵). روابط کتابشناختی در فهرست‌نویسی توصیفی. فصلنامه کتاب، ۷(۲)، ۳۲-۴۴.
- فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۷۶). تجدیدنظر در اصول و قواعد فهرست نویسی آنگلوآمریکن. فصلنامه کتاب، ۸(۴)، ۳۹-۵۴.
- فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۰). چالش‌های سازماندهی منابع دانش در آغاز قرن بیست و یکم با نگاهی بر دانش فهرست نویسی در ایران. فصلنامه کتاب، ۱۲(۴)، ۸۳-۵۹.
- فتاحی، رحمت‌الله و ارسطوپور، شعله (۱۳۸۶). تحلیل کارکردهای عناصر اطلاعاتی در پیشینه کتابشناختی: رویکردی نو به سازماندهی چند منظوره اطلاعات در فهرست‌های رایانه‌ای. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۰(۲)، ۹۰-۵۳.
- فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). از آرمان‌ها تا واقعیت: تحلیلی از مهم‌ترین چالش‌ها و رویکردهای سازماندهی اطلاعات در عصر حاضر. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۰(۴)، ۲۶-۵.
- Albertsen, Ketil; Nuys, Carol Van (2005). Paradigma: FRBR and Digital Documents. *Cataloging & Classification Quarterly*, 39 (3-4), 125- 149.
- Bennett, Rick; Lavoie, Brian F.; O'Neill, Edward T. (2003). The Concept of a Work in WorldCat: An Application of FRBR. *Library Collections, Acquisitions and Technical Services*, 27 (1), 45- 59.
- Chen, Ya-ning; Chen, Shu-jiun (2004). A Metadata Practice of the IFLA FRBR Model: A Case Study for the National Palace Museum in Taipei. *Journal of Documentation*, 60 (2), 128- 143.
- Le Boeuf, Patrick (2005). FRBR: Hype or Cure-All? Introduction. *Cataloging*

- & *Classification Quarterly*, 39 (3-4), 1- 13.
- Madison, Olivia M.A. (2005). The Origin of the IFLA Study on Functional Requirements for Bibliographic Records. *Cataloging & Classification Quarterly*, 39 (3-4), 15- 37.
- Miller, David; Le Boeuf, Patrick (2005). Such Stuff as Dreams Are Made On: How Does FRBR Fit Performing Arts? *Cataloging & Classification Quarterly*, 39 (3-4), 151- 177.
- Nicolas, Yann (2005). Folklore Requirements for Bibliographic Records: Oral Tradition and FRBR. *Cataloging & Classification Quarterly*, 39 (3-4), 179-195.
- Radebaugh, Jacqueline and Keith, Corey (2005). FRBR Display Tool. *Cataloging & Classification Quarterly*, 39 (3-4), 271- 283.
- Tillet, Barbara. IFLA Study Group on the Functional Requirements for Bibliographic Records (1998). Functional Requirements for Bibliographic Records: Final Report. Retrieved 14 August, 2008, from <http://www.ifla.org/VII/S13/frbr/frbr.pdf>
- Tillett, Barbara (2003). The FRBR Model (Functional Requirements for Bibliographic Records) . Retrieved 14 August, 2008, from <http://www.ifla.org/VII/S13/frbr/frbr.html>.

---

به این مقاله به این صورت استناد کنید:

عرفان منش، محمدامین؛ بصیریان جهرمی، رضا (۱۳۸۷). الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی: شیوه‌ای نوین در تنظیم عناصر کتابشناختی. *پيام کتابخانه*، ۱۴ (۴)، ۱۳۷- ۱۴۸.

*Archive of SID*